

مشکل بزرگ عصر ما « از نظر روانی »

هوشنگ میرمطهری

ایمان به کمال بشریت طرفداران مختلف دارد ، و بعضی آنرا امر مطلق میدانند و بحث عقاید آنان درین جا مورد ندارد ولی حداقلی را که میتوان در نظر گرفت همان قول سارتر است مبنی بر دلوآپسی انسان برای انسان که آنرا گوهر انسانیت نامیده و مشابهت نظر او را با گفتار سعدی درین مورد بیان کردیم .

قصدها درین جا کاشانیدن انسان در قید یک اخلاق شدید و مزاحم نیست . چه در این صورت خواه ناخواه کابوسهای نوینی پیدا خواهد شد و عکس عملهای پدید خواهد آمد چنانکه تز تبعیت از یک اخلاق خشن در ادبیات و هنر بطور کلی عکس العملی بصورت اثر هنر برای هنر از طرف اسکار وایلد بوجود آورد ، در تعالیم مذهبی که اصل را بر صفای تام باطن و اخلاق عالی قرار میدهند وجود شیطان بر رنگینی خوان زندگی بشر و حتی روابطش با حضرت احدیت می افزاید .

البته قصد ما تبعیت از شیطان نیست - واقمیت زندگی همانطوریکه از این تعالیم بر می آید از نزع بین دو جنبه ی روح ما تشکیل شده و لذت واقعی را آن موقعی می چشیم که بگفته ی سعدی ترك لذتی از جهتی اجتماعی یا معنوی کرده باشیم و میدانیم بی چیدیدن لذت، ترك لذات کردن از یک نوع بی خبری چشم پوشیدن است و از همین رو خواه ناخواه راه آگاهانه خویش را پس از عبور از دوزخی که لذات تشکیل میدهند پیدا میکنیم .

مولوی می فرماید :

نی که دوزخ بوده راه مشترک
ماندیدیم اندرین ره دود و نار
پس کجا بود آن گذرگاه دنی
کانفلانجا دیده اید اندر گذر
بر شما شد باغ و بستان و درخت

مؤمنان در حشر گویند ای ملک
مؤمن و کافر بر آن باید گذار
نک بهشت و بارگاه ایمنی
پس ملک گوید که آن روضه خضر
دوزخ آن بود و سیاست گاه سخت

چون شما این نفس دوزخ خوی را	آتش گهر فتنه جوی را
جهد ها کردید تا شد پر صفا	نار را کشتید از بهر خدا
آتش شهرت که شعله می‌زدی	سبزه تقوی شد و نورهدی
چون شما این جمله انتهای خویش	بهر ما کشتید تا شد نوش نیش

گاهی عواطفی موجب انحراف ما میشوند، ولی عواطف انحراف آورنده را از عواطف سازنده و مثبت باید باز شناخت. چنانکه گاهی انسان بواسطه دورانیشی هائی نکاتی را بیان میکند که از حوصله ادراک زمان خارج است - در گذشته از نظر بعضی اگر کسی نکنه ایرا قبل از صاحب رتق و فوق امور در مییافت باید استعفار کند یا بنام آنان اعلام کند چنانکه گالیله دچار این کیفیت شد آنان این روح اکتشاف را از جهالت به شیطان نسبت میدادند و حال آنکه نوآوری و تکمیل معلومات بشری راه گز نمیتوان از نظر تعالیم عالی و صحیح به شیطان نسبت داد این تشخیص های اساسی است که برای فهم راه صحیح بشریت باید بوجود آید. تا اعمال قبیح و خلاف اصول از اوسر نزند و از این روی همکاری عمومی درین راه از مسائل اساسی است،

نظر باینکه ماهواره بسوی آینده سیر میکنیم و گذشته ایرا در پشت سر میگذاریم و این سیر همانطوریکه گفته شد، بواسطه بی خبری از آینده یکنوع داوری های ناروا میکنیم و حوادثی برای ما پیش میآید، که خارج از امکانات خود بآن دست میزنیم و در نتیجه از اثرات و امکانات پیش بینی نشده آن ناراحت میشویم - ازین رو همواره زندگی آینده را باید از روی واقعات پیش بینی کرده ذهن و عموم را برای آن آماده ساخت نه پیش بینی هائی دور از زندگی و گاهی غیر واقعی و یا کلی که نیازمند بناوید است از قبیل آنکه فلان شهر فرو خواهد رفت و یا روزی خورشید از مغرب طلوع میکند و یا ماه سرخ گون خواهد شد. که در بعضی کتب ضبط و در دست عامه منتشر است و شاید از جهت اعتقادات دینی تاویل خاصی دارد و از جهت خود مفید است. بلکه از نوع پیش بینی های افلاطونی در جمهوریت که مثلاً تعلیم و تربیت در شهر یا جامعه آرزویی چگونه خواهد بود - مثلاً در عصر ما این پیش بینی علمی ضروری است که تمدن از نظر نوع تعلیم و تربیت و اقتصاد و طرز اداره و روابط بین افراد بشر و از لحاظ مختصات تربیتی و صنعتی و تجارتي بچه صورت در خواهد آمد، تا بر مبنای آن دستگاههای حکومتی و تربیتی و سنتی و کشاورزی و اقتصادی و غیره وضع خود را با هم تطبیق کنند و حتی افراد و خانواده ها وضع خود را با آن از قبل هم آهنگ سازند.

۷- اجتماع آینده

نص این تعلیم از پیشوایان دینی نیز رسیده که فرزندان خود را برای آینده تربیت کنید - در عین حال که این بیان جامعی است ولی تا یک دستگاههای منضبط آماری و دقیق و طراهان روشن بینی نباشند که این مسائل را موشکافی کنند و در اختیار عامه بگذارند نمیتوان فهمید که جهان آینده بچه سمت سیر میکند. که ما فرزندان خود را یکنواخت و هم آهنگ با آن

شکل مطلوب تربیت کنیم و این ندانم کاری‌ها ممتهی به از بین رفتن بسیاری از نیروها و عصبانیت های عمیقی خواهد شد که مردم عصر ما را از نظر بعضی بصورت دیوانگانی جلوه خواهد داد و اگر خوب مورد دقت قرار گیرند و بر فرض هم که به روانپزشکان مراجعه کنند دو مرتبه وقتی با واقعیت یک چنین اجتماعی روبرو شدند و نتوانستند بتمام معنی مشکلات آنرا حل کنند دچار ناراحتی‌هایی خواهند گردید . و ازین جهت این امر یعنی حل مشکل عصر ما مستلزم دعوت از کلیه افراد صاحب نظر و حتی همکاری مراجع صلاحیتدار بین المللی است که همواره هر چند وقت یک بار تحلیلی از تمدن فعلی و وضع آینده آن بکنند و عموم را نسبت بآن روشن کنند تا دستگاههای تربیتی و اقتصادی و صنعتی و حتی خانواده‌ها و اشخاص وضع خود را تشخیص دهند و یکنوع آمادگی قبلی نسبت باین تحولات پیدا کنند و خود را از برای برخورد با مشکلات حال و آینده آماده سازند و ازین جهت راجع بمسائل اساسی از قبیل جهت سیرتعلیم و تربیت در حال و در آینده این که ماتعلیم و تربیت را چگونه مورد توجه قرار دهیم که از مقدار زیادی از نیروهای دبیرستانی و یارانده از دانشگاه که داریم چگونه استفاده‌ی اقتصادی و صنعتی بنمائیم و چگونه بر معلومات آنان بیفزائیم تا افراد موثری شوند . . . نقش زن در آینده چیست؟ و هدف‌هایی که برای زندگی دختران و پسران و طرز رفتارشان باید تعیین شود کدامست نقش مدیر خانواده و مشکلات او بر حسب اینکه صنعتگر است یا کارمند دولت و یا با تعلیم تکنیک و تربیت و کار آزاد اشتغال دارد . طرز استفاده از مسافرت‌ها و تفریح‌ها طرز پوشش خوراک و تغذیه و دستمزمن دو غیره و تاثیر توسعه صنعت، علم و تکنیک در زندگی و همینطور از نظر مصالح عالی تر و کلی تر - مختصات اقتصاد حال و آینده تجارت و صنعت و اداره حکومت و قوانین روابط بین الملل و ازین قبیل مورد بحث و دقت قرار گیرد تا یک نوع آگاهی جامع الاطراف و متکامل یعنی روبه توسعه و تکامل دائمی نسبت بجهت تمدن و سیر اجتماع در فرد و اجتماع پدید آید . و در نتیجه باهم آهنگی و فهم عمیق تری برای حل مشکلات حال بردازیم و با آمادگی هر چه بیشتر با استقبال آینده سعادت مندتر بشناییم و اکثریت را ازین گنجی و خود با خنگی بیرون آریم . باین بیان تصور اجتماع بیمار معنی ندارد چه بیماری در ذات خود ناهم آهنگی طرز کار اعضاء يك موجود زنده است از طرفی و یا ناهم آهنگی فعالیت‌های يك موجود زنده است با محیط زیست خود و در صورتیکه بواسطه آمادگی قبلی قدرت تاثیر بر محیط را بیفزائیم خود بخود بمیزان و سیمی امکان پیدایش بسیاری از بیماری های روحی ریشه کن خواهد شد البته این بحث و تحلیل شامل عوامل تازه‌ای که از برخورد مدنیتهای مختلف میشود نیز خواهد بود .

«حقیقت تکنیک» و رابطه آن با روانشناسی و اخلاق و ملیت یا پسیکو تکنیک»

بطوریکه در بخش نخست ، بمیان گذاردیم ، ناهم آهنگی رشد اجتماعی و صنعتی و روانی را با تحولات تکنیکی یکی از علل اساسی ناهم آهنگی روحی و در نتیجه مشکلاتی بیماری آسای زندگانی عمومی شناختیم ، درین جا دو مساله اساسی پیش می آید :

۱ - همزیستی اجتماعی

۲ - نفس تکنیک و رابطه آن با مختصات عقلی و روحی اخلاقی چگونه است.

دکتر آلفرد آدلر Dr Aefred Adler روانشناس نامی و همکار فروید . در کتاب معروف خود ، بنام « زندگی برای شما چه معنایی باید داشته باشد » what life Shbould Mean to you چنین مینویسد : تمام شکست ها ، که غالباً منجر به اختلالات عصبی ، هیجانات روانی الکلیزم ، جنابات ، خودکشی ، انحرافات جنسی ، فحشا ، وامثال آن میشود ، جزء ناکامی ها و خطاهائی است که در نتیجه عدم وجود همزیستی . اجتماعی و تجانس روحی بین افراد يك جامعه پیش می آید ، زیرا این افراد نمیتوانند جای خود را در محیط باز کنند و اطمینان ندارند ، بتوانند مسائل و مشکلات خود را با همکاری دیگران حل و تصفیه کنند و مفهومی را که این بیچارگان برای ارضای هوای نفس از زندگی درک می کنند همانا منظور انفرادی است و منافع و مقاصد آنان در شخص خودشان محدود و در خودشان خاتمه مییابد . هدف آنان از پیروزی و موفقیت يك نشانه گیری فردی و تصنعی و غلبه و تفوق بر دیگران است که فقط خود آنها میتوانند آن را تفسیر کنند.

هر بشری برای عظمت و بزرگداشت ، یکی از شئون زندگی مبارزه میکند ، اما کسانی از درک مطلوب و فهم معنی زندگی محروم هستند ، که پرده غفلت دید چشم آنها را گرفته . و چنان در تاریکی حیات سرگردانند که نمی دانند از خود گذشته گی در برابر نفع دیگران چه اثرات معجز آسائی در روشنی و شادی روح آنان دارد ؟

پس عدم ادراک قوانین همزیستی اجتماعی - خود یکی از علل پیدایش بیماری وی روانی است همین مؤلف .

اما دکتر فانیسلو Dr Finesilwer میگوید «چنانچه خاشاکی در چشم شما فرو رفته باشد ، دوره برای رفع درد و تحریکات عصبی وجود دارد .

یکی اینکه چند قطره نوکائین در چشم ریخته و برای ساعتی چند از درد نجات یابید اما همینکه اثر نوکائین از بین رفت ، دوباره درد و تحریکات عصبی شروع میشود .

دیگر اینکه خاشاک را از چشم خارج کنید ، تا برای همیشه ، شمارا از درد و اثرات آن خلاص کرد و علت بیماری را از بین ببرد ؟

اما بستگی به انسان به تکنیک به حدی است که فزاکلن انسان را حیوان ابزار ساز تعریف میکرد a tool making animal اما مسأله ای اساسی درین جاست که باید باشناختن حقیقت تکنیک و رابطه آن با اعماق روحیه بشری ناهم آهنگیهای را که ازین ممر برای انسان بوجود می آید حل کرد .

والا - سروکار داشتن با یک چنین دستگاه عظیم روباتی به نام تکنیک و شناختن آن بطور عمیق خود منشاء ناسامانیتهائی است .

ازین جاست که این مسأله اساسی پیش می آید :

که نفس تکنیک چیست ؟ و رابطه آن با مختصات عقلی و روحی و اخلاقی و اجتماعی چگونه است .

۱ - از کتاب شما خیلی بهتر از آن هستند که خیال میکنند که «Dosa Albeit»

ترجمه و اقتباس یدالله هایون فر تقدیم شده به رهبران انقلاب سفید ایران اعلیحضرت هایونی ص ۲۳۵ - ۲ - ص ۲۴۰ همین کتاب